

بررسی جایگاه رهبری و اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مردم‌سالاری دینی

دکتر محمد کاظم کاوه پیشقدم^۱ - زهرا قاسمی^۲ - محمدحسین بهزادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳

چکیده:

در تفکر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مردم‌سالاری دینی اصولی دارد که با آن اصول شناخته می‌شود (حاکمیت الهی، آرمان‌گرایی، شایستگی و...). رهبر انقلاب رسیدگی به امور مردم، رفاه و حل مشکلات آنان را در چنین نظامی یک اصل مهم دانسته و تأکید دارند که در چنین نظامی رضایت مخلوق منجر به رضایت خالق می‌شود. ایشان مردم‌سالاری دینی را هدیه امام خمینی (ره) می‌دانند. اندیشه سیاسی رهبری در خصوص مردم‌سالاری دینی، حاکمیت را از آن خداوند دانسته و مردم را تصمیم‌گیران سرنوشت اداره کشور می‌داند و دخالت مردم در امر حکومت را نشئت گرفته از حق الهی آن‌ها به شمار می‌آورد.

کلید واژه: مردم‌سالاری، مردم‌سالاری دینی، حکومت اسلامی، لیبرال دموکراسی

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

pishghadam@iaushiraz.ac.ir

^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

z.ghasemi1986@yahoo.com

^۳ - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

behzadimah@yahoo.com

مقدمه:

مردم‌سالاری دینی به نظامی اطلاق می‌گردد که فقط در جامعه دینی و بعد از آن که دینداران، با میل و اراده خود حاکمیت دین را بر حیات سیاسی و اجتماعی خود پذیرفتند شکل گرفته و سامان مییابد. مردم‌سالاری به مفهوم «حکومت به وسیله مردم» یا «حکومت مردم بر مردم» است بنابراین مردم‌سالاری یا همان دموکراسی شکلی از حکومت است که براساس فرهنگ‌ها و عقاید مختلف محتوای ویژه‌ای به خود میگیرد.

اما مردم‌سالاری دینی در نظام اسلامی ایران وجهه‌ای خاص و منطبق با شرایط ویژه جامعه دینی ایران است و بنابراین الگویی نوین و موفق در سطح جهان و به ویژه کشورهای اسلامی است. در مردم‌سالاری دینی، نظام حاکم در قالب رفتارهای دموکراتیک خود را مقید به ارزشها و هنجارهای دینی میداند. در نظام مردم‌سالاری دینی ایران همه مناصب اصلی و اجرایی حتی رهبری به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه رأی مردم برگزیده میشوند (روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۸۶/۰۹/۲۵).

نظام حکومتی ایده‌آل در اسلام بر آن است تا ضمن حفظ حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور عمومی جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، اصول و مبانی ارزشی و دینی را رعایت نماید. لذا در چنین شرایطی است که میتوان تفاوت میان حکومت اسلامی را از الگوهای غربی تشخیص داد. به همین دلیل، در نظام اسلامی، شیوه تازهای مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی است و نه لیبرالی و از این روش حکومتی که خاص و متفاوت است می‌توان به مردم‌سالاری دینی یاد کرد.

حاکمیت ملت در مردم‌سالاری دینی همانند لیبرال - دموکراسی، حاکمیت قانون را به دنبال دارد با این تفاوت اساسی که دموکراسی در غرب با سکولاریسم همزاد و همراه است، اما در مردم‌سالاری دینی با حاکم شدن ملت، حاکمیت اسلام و شریعت مطرح شد. در کشور ما گرچه مردم‌سالاری دینی حاکم است اما چون حکومت ما جمهوری اسلامی است؛ این مردم‌سالاری مطلق نبوده بلکه دینی و اسلامی است.

یکی از حوزه‌های اصلی که باعث ایجات تفاوت و تمایز میان نظام مردم‌سالاری دینی با نظام‌های دموکراتیک غرب می‌گردد مسئله رهبری است و دلیل این است که ولایت فقیه (رهبری دینی)، رکن اصلی نظام مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد و میتوان گفت که در چنین نظامی اکثر انتقادات و شبهات متوجه جایگاه رهبری است.

رهبری در هر نظام سیاسی (اعم از دینی یا غیر دینی)، از جایگاه و نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در سیاستگذاری، اجرای قوانین و هدایت جامعه به سوی اهداف در نظر گرفته شده برای آن، برخوردار است. از همین لحاظ، در تمام حکومتها تلاش بر آن است تا در گزینش و انتخاب بالاترین مقام حکومتی تمام احتیاطهای لازم به عمل آید تا شایسته‌ترین افراد برای این چنین جایگاه والایی انتخاب شوند و احتمال فساد، خطا و استبداد به حداقل ممکن کاهش یابد.

رهبر انقلاب هم معتقدند که مردم‌سالاری یعنی اعتنا کردن به خواسته‌های مردم، یعنی درک کردن حرفها و دردهای مردم، یعنی میدان دادن به مردم. اجتماع مردم‌سالاری؛ یعنی اجتماعی که مردم در صحنه‌ها حضور دارند، تصمیم میگیرند، انتخاب میکنند. اصل تشخیص این که چه نظامی در کشور بر سر کار بیاید، این را امام به عهده فراندوم و آراء عمومی گذاشتند. این هم در دنیا سابقه نداشت (کریمان مجد، مردم‌سالاری دینی در برابر لیبرال دموکراسی، ۱۳۸۵: ۶۲).

جایگاه رهبری در نظام مردم‌سالاری دینی

ما در این قسمت برانیم تا جایگاه رهبری را به طور مختصر در زمینه‌های صفات و شرایط رهبر، روش‌های تعیین رهبر، اختیارات رهبری، نقش و جایگاه مردم و امکان عزل رهبری را در نظام مردم‌سالاری دینی مورد بررسی و بحث قرار دهیم.

الف) صفات و شرایط رهبر: رهبری در هر نظام سیاسی از نقش و جایگاه تعیین کننده‌ای در زمینه‌های هدایت جامعه، مدیریت، سیاستگذاری و... برخوردار است لذا تلاش می‌شود تا در انتخاب بالاترین مقام حکومتی تمام احتیاط‌ها و تلاش‌ها صورت پذیرد تا احتمال خطا و اشتباه به کمترین حد ممکن برسد. بنابراین بین صفات و شرایطی که برای رهبری در نظر گرفته می‌شوند، در نظام مردم‌سالاری دینی و دموکراسی‌های غربی تفاوت وجود دارد. در نظام جمهوری اسلامی- به عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی- صفات و شرایط متعالی و حداکثری از لحاظ ارزشی و اخلاقی، معیارهای دینی و حتی از نظر کارآمدی و کارآیی برای رهبری در نظر گرفته شده‌اند که در مقایسه با نظام‌های دموکراتیک غربی؛ هوشمندی و حساسیت فوق العاده این نظام را در انتخاب بالاترین مقام حکومتی به اثبات می‌رسانند.

صفات و شرایط در نظر گرفته شده برای رهبری در جمهوری اسلامی ایران در اصل‌های ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته‌اند که مجموع ویژگی‌های مطرح شده برای رهبری را در این دو اصل، در ۳ بخش زیر می‌توان قرار داد:

الف) ویژگی‌های اخلاقی و ارزشی: عدالت، تقوا، شجاعت(اصل ۵).

ب) ویژگی‌های دینی: فقاقت(اصل ۵)، صلاحیت لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه(یا اجتهاد مطلق)(اصل ۱۰۹).

ج) ویژگی‌های مربوط به کارآمدی: آگاهی به زمان(اصل ۵)، شجاعت(اصل ۵)، مدیریت و تدبیر(اصل ۵)، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام(اصل ۱۰۹)، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری (اصل ۱۰۹). (اخوان کاظمی، ، ۱۳۸۳: ۱۴۲- ۱۴۱) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی تلاش وافر به عمل آمده تا رهبری به عنوان بالاترین مقام حکومتی؛ واجد عالی‌ترین و والاترین صفات و ویژگی‌های لازم برای تصدی این مسئولیت حساس و تعیین کننده باشد و بنابراین ملاحظه می‌شود که در نظام مردم‌سالاری دینی جمهوری

اسلامی برخلاف نظام‌های دموکراتیک غربی، هم صفات و شرایطی متعالی و حداکثری برای رهبری در نظر گرفته شده و هم با تمهیداتی استثنایی از قبیل تشکیل مجلس خبرگان رهبری، تلاش شده تا فردی واجد شرایط مذکور در حد اعلی، برای تصدی مقام رهبری تعیین گردد.

ب) روش‌های تعیین رهبر: در نظام مردم‌سالاری دینی رهبری به صورت دو مرحله‌ای تعیین می‌شود؛ یعنی ابتدا مردم به صورتی دموکراتیک و با رأی مستقیم خود افرادی کارشناس و خبره را که خود باید دارای ویژگی‌های مشخصی باشند و برای آن‌ها نیز شرایط سنگینی در نظر گرفته شده است انتخاب کنند تا این کارشناسان، در مرحله بعد، مصداق واجد شرایط رهبری را پیدا کنند. در واقع، خبرگان، مصداق ولایت فقیه را کشف و شناسایی و یا به عبارتی، تعیین می‌نمایند. بدیهی است که ضریب احتمال خطای چنین روشی بسیار پایین‌تر از شیوه‌هایی است که در آن‌ها، رهبر یا رئیس جمهور با رأی مستقیم همه توده‌های مردم انتخاب می‌شود.

نکته بسیار مهم که در این جا ذکر آن بسیار مهم است این است که در نظام مردم‌سالاری دینی (جمهوری اسلامی)، دستیابی به مقام رهبری کاندیدایی نیست؛ یعنی فرد یا افرادی شخصاً یا توسط احزاب و گروه‌های سیاسی برای دستیابی به چنین مقامی کاندیدا نمی‌شوند تا مردم به صورت مستقیم و یا به شکل غیرمستقیم از بین کاندیداهای مذکور، یکی را به رهبری برگزینند.

در نظام‌های دموکراتیک غربی که افرادی برای دستیابی به رأس هرم قدرت، کاندیدا می‌شوند یا توسط احزاب و گروه‌هایی معرفی و نامزد می‌گردند، این احتمال جدی وجود دارد که قدرت‌طلبان و فرصت‌طلبانی هم در بین آن‌ها وجود داشته باشند که برای دستیابی به قدرت، ثروت، موقعیت و... وارد صحنه سیاست و انتخابات شده باشند و از آن جایی هم که انتخاب یکی از آن‌ها توسط مردم عادی جامعه صورت می‌پذیرد، لذا همواره این امکان وجود دارد که مردم؛ فردی نالایق، ناشایست و... را که با عوام فریبی و تبلیغات

اعتماد مردم را جلب کرده باشد به رأس قدرت برسانند (اخوان کاظمی، جایگاه رهبری در مردم‌سالاری دینی؛ بررسی مقایسه‌ای با دموکراسی‌های غربی، ۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۵۹).

ج) اختیارات رهبری: یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفین حکومت دینی و اصل ولایت فقیه این است که رهبری در چنین حکومتی از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است و وجود چنین اختیارات وسیعی را مترادف با تمرکز قدرت در دست فرد می‌دانند که با اصل تمرکز زدایی از قدرت و تفکیک قوا منافات پیدا می‌کند.

رهبر در نظام مردم‌سالاری دینی نیز از اختیاراتی در حد و اندازه سایر مقامات عالی حکومتی در نظام‌های سیاسی دیگر برخوردار است و قید «مطلقه» در کنار اصطلاح «ولایت فقیه» چیزی غیر از اختیارات معمول حکومتی، و لزوم «مبسوط الید» بودن رهبر را در انجام وظایف محوله به او، به اثبات نمی‌رساند و لذا مردم‌سالاری دینی- برخلاف دموکراسی‌های غربی که صرفاً مشروط به چارچوب‌های قانونی هستند- یک حکومت مشروطه و مقید، هم به معیارها و موازین دینی و الهی، و هم به مبانی قانونی و مصالح عمومی می‌باشد.

د) کنترل و نظارت بر رهبری: در مبحث کنترل و نظارت بر رهبری در نظام مردم‌سالاری دینی در مقایسه آن با دموکراسی‌های غربی، می‌توان بیان نمود که در نظر گرفتن صفات و شرایطی مانند عدالت و تقوا برای رهبری در جمهوری اسلامی، از طریق مجمعی از کارشناسان در مجلس خبرگان، نشانگر این است که در نظام مردم‌سالاری دینی بر وجود و ضرورت استمرار اهرم‌های کنترل درونی در رهبر تأکید قابل ملاحظه‌ای به عمل می‌آید؛ در حالی که در نظام‌های سیاسی دیگر، در این خصوص هیچ گونه توجه و دقت و حساسیتی اعمال نمی‌گردد؛ و در عین حال، با مکانیسم‌های دقیق و سخت‌گیرانه‌ای، اهرم‌ها و نهادهای بیرونی کنترل‌کننده دیگری نیز در این زمینه به کار گرفته می‌شوند تا احتمال انحراف، قدرت‌طلبی، فساد و اشتباه را در رهبر به حداقل ممکن کاهش

دهند(اخوان‌کاظمی، جایگاه رهبری در مردم‌سالاری دینی؛ بررسی مقایسه‌ای با دموکراسی‌های غربی، ۱۳۸۳: ۲۱۱-۲۱۰).

ه) امکان عزل و برکناری رهبری: با توجه به اینکه در مردم‌سالاری دینی، صفات و شرایط بسیار سنگینی برای رهبری در نظر گرفته شده است و در عین حال، رهبر نیز مانند هر انسان دیگری در معرض بیماری، پیری و ناتوانی، زوال عقل، و یا صفات و ویژگی‌های لازم قرار دارد، و یا علی‌رغم همه احتیاط‌های در نظر گرفته شده؛ امکان دارد به قدرت طلبی، سوءاستفاده، فساد و انحراف از معیارهای الهی و یا موازین قانونی گرایش پیدا کند، لذا امکان عزل و برکناری رهبر در چنین شرایطی با مکانیسم‌های خاصی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

بدین ترتیب، به صرف این که حکومتی عنوان اسلامی و یا دموکراتیک بر خود نهاده باشد، و یا حتی به خاطر این که شأن رهبری از قداست و ارزش والایی برخوردار است، نمی‌توان مسأله احتمال فقدان شرایط لازم در رهبر، و یا خروج او را از چهارچوب و موازین الهی و قانونی نادیده گرفت و در این زمینه تمهیداتی نیندیشید. از این رو، در صورتی که با مکانیسم‌های پیش‌بینی شده معلوم شود که حکومت دینی و یا حکومت‌گران در جامعه دینی از معیارهای دینی و قانونی فاصله گرفته‌اند، حق مخالفت با آن‌ها و امکان برکناری ایشان از طریق نهادهای و شیوه‌های پیش‌بینی شده، برای مردم محفوظ خواهد بود و عملاً نه تنها اطاعت مردم در چنین وضعیتی هیچ محمل شرعی و قانونی نخواهد داشت، بلکه از حرمت شرعی و عقلی هم برخوردار خواهد بود(اخوان‌کاظمی، جایگاه رهبری در مردم‌سالاری دینی؛ بررسی مقایسه‌ای با دموکراسی‌های غربی، ۱۳۸۳: ۲۰۶-۲۰۵).

مردم‌سالاری دینی در بیانات مقام معظم رهبری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در توضیح مردم‌سالاری دینی، مبانی آن را با دموکراسی‌های غربی متفاوت دانسته و می‌فرماید:

مبنای دموکراسی دینی با مبنای دموکراسی غربی متفاوت است. مردم‌سالاری دینی - که مبنای انتخابات ماست و برخاسته از حق و تکلیف الهی انسان است - صرفاً یک قرارداد نیست. همه انسان‌ها حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت دارند. این است که انتخابات را در کشور و نظام جمهوری اسلامی معنا می‌کند. این بسیار پیشرفته‌تر و معنادارتر و ریشه‌دارتر از چیزی است که امروز در لیبرال دموکراسی غربی وجود دارد. این از افتخارات ماست، این را باید حفظ کرد (مقام معظم رهبری، مورخ ۸۴/۰۳/۱۴).

همچنین ایشان نظام جمهوری اسلامی را تنها نظام مردم‌سالاری دینی در جهان معرفی می‌کند و عصبانیت و رنجش قدرت‌های بزرگ را ناشی از الگو شدن این نظام می‌داند. «امروز نظام جمهوری اسلامی - که یک نظام دینی است و قواعد و اصول و پایه‌های ارزشی آن از دین سرچشمه می‌گیرد - یک نظام مردم‌سالار به تمام معناست و در هیچ یک از کشورهای اسلامی، مردم‌سالاری به شکل وسیعی که در جمهوری اسلامی هست، وجود ندارد. البته این حقیقت برای جبهه دشمنان تلخ است. آن‌ها حاضر نیستند ببینند در مقابل چشمشان، پرچم دین و دموکراسی روی یک علم برافراشته می‌شود. سعی آن‌ها این است که بین مردم‌سالاری و دین فاصله ایجاد کنند، لذا واقعیت نظام جمهوری اسلامی رنجشان می‌دهد. برای این که بتوانند افکار عمومی دنیا را از این حقیقت درخشان منحرف کنند با وسایل تبلیغاتی و ابزارها و عمال تبلیغاتی خود، ملت ایران را به دموکراسی دعوت می‌کنند! این یکی از طنزهای بزرگ امروز ما و این نقطه تاریخ است» (مقام معظم رهبری، مورخ ۸۴/۰۳/۱۴).

لذا تلاش اندیشمندان غرب بر این است که نشان دهند که رابطه‌ای بین یک نظام دینی و مردم‌سالاری وجود ندارد و در این جهت، بیشترین تبلیغات منفی را علیه جمهوری اسلامی ایران دارند. در این خصوص حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «این که یک

نظام اسلامی- نظامی زیر پرچم توحید و دین- می تواند مردم‌سالاری را به شکل آشکار و واضح و با زبان گویا در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد، درست عکس تبلیغات استکباری دنیای لیبرال دموکراسی است. آن‌ها می‌خواهند بگویند مردم‌سالاری منحصر در ماست. نمی‌توانند این را تحمل کنند که یک نظام اسلامی و دینی، با ارزش‌های والای ایمانی خود بتواند مردم‌سالاری را این طور نهادینه کند»(مقام معظم رهبری، مورخ ۱۱/۰۲/۸۴).

رهبر معظم انقلاب مردم‌سالاری دینی را جوهره حکومت اسلامی و از عوامل اصلی عزت نظام برشمردند و افزودند، رأی تنها یکی از نمودهای مردم‌سالاری است و معنای حقیقی این مفهوم، جوشیدن و پدید آمدن نظام سیاسی و متصدیان آن از عمق خواست‌ها، آرمان‌ها، عواطف، عشق و ایمان مردم است. ضمن آن که مردم‌سالاری در ایران متکی به ایمان دینی مردم است و به همین دلیل از عمق و پایداری برخوردار است.

ایشان انسجام ملی مردم ایران، ایمان عمیق ملت، وسعت کشور، موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران در منطقه و جهان، استقلال ملی، حضور مقتدرانه در دفاع مقدس و در مقابله با توطئه‌ها و فرهنگ و تمدن بسیار غنی را از دیگر عوامل عزت بخش ایران اسلامی خواندند و افزودند: با تکیه بر این عوامل و زمینه‌ها، می‌توان با برنامه‌ریزی علمی و صحیح و تلاش بی‌وقفه، ایران اسلامی را به یک قدرت حقیقی منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرد(خامنه‌ای، مردم‌سالاری دینی عامل اصلی عزت نظام است: مورخ ۲۷/۰۵/۷۹).

مقام معظم رهبری اسلام را پایه‌گذار حکومت مردم‌سالاری به شکل حقیقی آن دانستند و با تأکید بر نادرستی ادعای دموکراسی در کشورهای غربی خاطر نشان کردند: امروزه مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران حرف نو و جدیدی است که توجه بسیاری از ملت‌ها، شخصیت‌ها و روشنفکران عالم را به سوی خود جلب کرده است. ایشان رابطه مردم و مسئولان را در نظام مردم‌سالار اسلامی بر اساس عواطف ایمان و

اعتقاد قلبی دانستند و بیان کردند در نظام جمهوری اسلامی، حقوق مردم و مسئولان دو جنبه است که در این میان حقوق مردم از تأکید و اهمیت بیشتری برخوردار است.

ایشان با تأکید بر اینکه الگوی مردم‌سالاری دینی هیچ نظیری در دنیا ندارد تصریح کردند، دموکراسی کشورهای غربی در عمل نشان داده است که ادعای دموکراسی در این کشورها، یک حقیقت جدی نیست (خامنه‌ای، مردم‌سالاری دینی در ایران حرف نو و جدیدی است: مورخ ۷۹/۰۸/۲۹).

اصول مردم‌سالاری دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری

مردم‌سالاری دینی در اصول نیز با دیگر مردم‌سالاری‌های جهان متفاوت است که اصول مهم آن به شرح ذیل است: (اکبری، اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی: ۱۳۸۴: ۲۸)

۱- اصل ایمان‌مداری: جامعه‌ای که براساس قوانین الهی و حاکمیت حق برنامه‌ریزی شده باشد اصل اولیه‌اش حفظ بنیان‌های عقیدتی و فکری است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

« مبنای حکومت اسلامی این است که مردم را از ظلمات به نور ببرد. اراده دین است که انسان را از ظلمات و خودخواهی، خودپرستی، شهوت، محصور بودن در وسائل شخصی، بی‌تقوایی در برخورد با هرکس، با هرچیز و با پدیده‌های عالم، خارج کند و به نور معنویت، نور هدایت و نور همت بلند برای خدا برساند.» (مقام معظم رهبری، مورخ ۷۹/۱۱/۱۱).

وظیفه حکومت اسلامی این است که نسبت به حفظ دین مردم و تقویت پایه‌های اعتقادی آن‌ها همت گمارد و جامعه را از تزلزل و انحراف‌های اخلاقی و ارزشی برهاند.

۲- اصل مردم‌گرایی: جامعه‌ای که بر مبنای قوانین الهی و حاکمیت خداوند شکل می‌گیرد بعد اساسی آن، نقش و جایگاه مردم است که براساس آن، مردم، مسئولان،

خدمتگزاران و معتمدان خود را برای ایفای نقش کارگزاری انتخاب می‌کنند و حاکمان نیز پس از انتخاب به مردم جوابگو خواهند بود.

« مردم‌سالاری هم دو سر دارد یک سر مردم‌سالاری عبارت است از این که تشکل نظام به وسیله ارائه و رأی مردم صورت بگیرد؛ یعنی مردم نظام را انتخاب می‌کنند، دولت را انتخاب می‌کنند، نمایندگان را انتخاب می‌کنند.» (مقام معظم رهبری، مورخ ۷۹/۰۹/۱۵).

در مردم‌سالاری دینی یک وجه مهم، نظر مردم در گزینش مسئولان است و طرف دیگر آن، به چگونگی خدمت مسئولان به مردم برمی‌گردد. حاکمان در نظام اسلامی باید برای رضایت عمومی تلاش کنند و مردم را صاحب حق و دارای کرامت و ارزش بالا بدانند و خود را وقف خدمت به آن‌ها کنند.

« تکلیف و وظیفه مسئولان در نظام جمهوری اسلامی ایران، به کارگیری تمام توان برای خدمت به مردم است.» (مقام معظم رهبری، مورخ ۷۹/۰۸/۲۸).

۳- اصل قانون‌محوری: اصل عمل به قانون و رعایت حدود، امری عقلایی است که در همه نظام‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد، دین اسلام رعایت قوانین شرعی و عمل به آن‌ها را از واجبات می‌داند و همه را به رعایت آن‌ها که برنامه سعادت دنیوی و اخروی در آن لحاظ شده است فرا می‌خواند. در همه نظام‌های مردم‌سالار نیز رعایت قانون و قانون‌محوری، از اصول اولیه است. مقام معظم رهبری نیز یکی از اصول مردم‌سالاری دینی را قانون‌محوری بیان می‌کند. ایشان تحقق همه فضائل، آرمان‌ها و اهداف را در سایه قانون و عدالت می‌داند و عدالت را نیز تنها در صورت استقرار قانون ممکن می‌شمرد (روزنامه کیهان، مورخ ۷۹/۰۸/۲۹).

۴- اصل آگاهی: اگر عنصر اصلی مردم‌سالاری (انتخاب و تجلی اراده مردم در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی- اجتماعی) بر پایه معرفت و شناخت کافی نباشد محتوای

مردم‌سالاری دینی رعایت نشده است. به همین جهت، باید آگاهی و معرفت کافی در خصوص اهداف مردم‌سالاری و عنوان‌های مورد نظر برای انتخاب شدن وجود داشته باشد و رفتارهای انتخابی نیز بر همان اساس سامان پذیرد. حتی تکلیف و وظیفه‌ای نیز که در مشارکت مردمی وجود دارد منوط به شناخت است و بدون شناختن، دانستن و خواستن تکلیفی در این زمینه محقق نمی‌شود (مقام معظم رهبری، مورخ ۸۱/۰۹/۰۱).

۵- رضایت‌محوری: در نظام اسلامی که مردم محوریت دارند رعایت رضایت مردم و برآوردن نیازهای آنان، از اساسی‌ترین پایه‌های نظام محسوب می‌شود و در نظام اسلامی که مردم ولی نعمتان جامعه‌اند باید از نظام اسلامی راضی باشند و این امر با خدمتگزاری خالصانه مسئولین و ملاحظه نظرات مردم، محقق می‌شود. مقام معظم رهبری در مورد این اصل می‌فرماید: «در نظام مردم‌سالار دینی رسیدگی به امور مردم، تأمین رفاه و آسایش و حل مشکلات آنان یک اصل مهم است.» (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۷۹/۰۹/۰۱).

۶- ارزش‌مداری: ایجاد تقابل بین خواست مردم و اراده الهی، از جمله دستاوردهای شوم عصر روشنگری و قرون وسطی در غرب می‌باشد که به صورت ناشایسته‌ای به حوزه سایر ادیان - و از جمله اسلام - تسری داده شده است. این در حالی است که در نگرش اسلامی، مردم‌سالاری به هیچ وجه به معنای نفی «ارزش‌مداری» نبوده و در حقیقت، حقوق توده‌های مسلمان، مد نظر می‌باشد و این تصور که می‌توان ایمان و ارزش‌های دینی مردم را به بازی گرفت و با طرح دموکراسی به جنگ مبانی ارزشی نظام سیاسی اسلام رفت باطل بوده، با معنای «مردم‌سالاری دینی» همخوانی ندارد. به همین خاطر است که رهبر انقلاب صراحتاً در تبیین معنای واقعی مردم‌سالاری دینی و با تأکید به بعد ارزش‌محورانه آن اظهار می‌دارند: «تباید عده‌ای تصور کنند که افکار عمومی، یک منطقه آزاد است که بتوان به ایمان، عواطف، باورها و مقدسات مردم با تحلیل‌های غلط، شایعه‌سازی، تهمت و دروغ، آسیب رساند.» (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۷۹/۱۲/۱۰).

تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی غربی از دیدگاه رهبر انقلاب

رهبر معظم انقلاب در بیان تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی غربی تأکید دارند: «مردم‌سالاری دینی با دموکراسی‌های رایج دنیا در بنیاد اختلاف دارد، ریشه مشروعیت رأی مردم در دموکراسی‌های رایج دنیا اساساً با مشروعیت رأی مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی که ما به دنبال آن هستیم و آن را حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام به حساب می‌آوریم، متفاوت است لذا در روش‌ها، تفاوت بین اینهاست.

در دموکراسی‌های رایج جهان، ضوابطی که ما برای اداره کشور و برای مدیران آن قائل هستیم وجود ندارد، ممکن است ضوابط دیگری باشد. در اینجا قدرت طلبی وجود ندارد... تفاوت دیگر دموکراسی‌های رایج دنیا با نظام مردم‌سالاری دینی این است که در مردم‌سالاری دینی کارهای رایج دنیا و اسراف‌ها و تبلیغات پرخرج مطلقاً نباید انجام بگیرد.» (روزنامه کیهان، مورخ ۸۶/۹/۲۵).

ویژگی مردم‌سالاری دینی

رهبر معظم انقلاب در بیان ویژگی مردم‌سالاری دینی بیان داشتند: «در مردم‌سالاری دینی چون نگاه مردم‌سالاری براساس یک اعتقاد دینی است، قابل نقض نیست، یعنی اگر کسی توانست در انتخابات تقلب کند یا به شیوه‌ای نظر مردم را جلب کند که به ناحق نگاهشان به وی متوجه باشد، در منطق مردم‌سالاری دینی او حقی ندارد، او مبطل است، او محق نیست، فرض کنید ارزشی که در او نیست، وانمود کند در او هست، بعد مردم به او اقبال کنند و رأی و نظر بدهند، این شیوه در منطق لیبرالیسم که پایه لیبرالیسم غربی است، کاملاً پذیرفته شده است اما در منطق مردم‌سالاری دینی نه، این شیوه قابل قبول و پذیرفته شده نیست.» (روزنامه کیهان، مورخ ۸۶/۹/۲۵: ۱۲).

تعریف مردم‌سالاری دینی از منظر رهبر معظم انقلاب

واژه «مردمداری» و «مردمسالاری» دارای معانی نزدیک به هم و مرتبطی هستند. برای تبیین این دو مفهوم لازم است که ابتدا معنای «مردمی بودن» روشن شود. مقام معظم رهبری در تبیین معنای «مردمی» گفته‌اند: «مردمی بودن حکومت؛ یعنی نقش دادن به مردم در حکومت. یعنی مردم در اداره حکومت و تشکیل حکومت و تعیین حاکم و رژیم حکومتی و سیاسی نقش داشته باشند [مردمسالاری]. یک معنای دیگر برای مردمی بودن حکومت اسلامی این است که حکومت اسلامی در خدمت مردم است. آنچه برای حاکم مطرح است، منافع عامه مردم است، نه اشخاص معین و یا قشر معین یا طبقه معین [مردمداری]. اسلام به هر دو معنا، دارای حکومت مردمی است. اگر یک حکومتی ادعا کند که مردمی است، باید به هر دو معنا مردمی باشد.»

لذا «مردمسالاری» یکی از معانی «مردمی بودن» و غیر از «مردمداری» است. رهبر انقلاب در تبیین مردمسالاری، این گونه فرموده‌اند: «مردمسالاری یعنی اعتنا کردن به خواسته‌های مردم یعنی درک کردن حرف‌ها و دردهای مردم، یعنی میدان دادن به مردم. اجتماع مردمسالاری؛ یعنی اجتماعی که مردم در صحنه‌ها حضور دارند، تصمیم می‌گیرند، انتخاب می‌کنند. اصل تشخیص این که چه نظامی در کشور بر سر کار بیاید، این را امام به عهده رفراندوم و آراء عمومی گذاشتند. این هم در دنیا سابقه نداشت. در هیچ انقلابی در دنیا ما ندیدیم و نشنیدیم که انتخاب نوع نظام را- آن هم در همان اوایل انقلاب- به عهده مردم بگذارند.» (کریمان مجد، مردمسالاری دینی در برابر لیبرال دموکراسی: ۱۳۸۵: ۶۲). مردمسالاری یعنی برانگیخته بودن از سوی مردم و ملت خود؛ و همه این مفاهیم را هم از مبانی دینی، اعتقادی و ایمانی گرفته باشد (مقام معظم رهبری، مورخ ۲۲/۰۳/۱۳۸۲).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین مردمسالاری دینی به تشریح جایگاه مردم در اندیشه امام می‌پردازد و می‌فرماید: «امام به معنای واقعی کلمه معتقد به آرای مردم بود، یعنی آنچه را که مردم می‌خواهند و آرایشان بر آن متمرکز می‌شود. البته در این کارها هیچ وقت سر رشته کار را هم به دست سیاست‌بازان نمی‌داد. مردم غیر از سیاست‌بازها،

غیر از مدعیان سیاستند، غیر از مدعیان طرفداری مردمند. امام به مردم اعتماد داشت. خیلی از گروه‌ها و احزاب و داعیه‌داران و سیاست‌بازها و حزب‌بازها و امثال این‌ها بودند، امام به این‌ها کاری نداشت، میدان هم به این‌ها نمی‌داد که بیایند زیاده‌طلبی کنند، به نام مردم حرف بزنند و عوض مردم تصمیم بگیرند، لیکن به آرای مردم احترام می‌گذاشت.» (مقام معظم رهبری، مورخ ۷۸/۳/۱۴)

امتیازات و مشخصه‌های مردم‌سالاری دینی از منظر رهبر معظم انقلاب

- ۱- در نظام مردم‌سالاری دینی که سیاست و بنیان آن بر اساس دین می‌باشد، در واقع اصلی‌ترین عنصر تشکیل دهنده این نظام عبارت است از اسلام‌گرایی و تکیه بر مبنای مستحکم اسلامی و قرآنی ...
- ۲- انتخابات در این نظام یک حرکت نمایشی و ساده نیست بلکه انتخابات بر مبنای واقعی کلمه است و در هیچ جای دنیا نظیر آن وجود ندارد.
- ۳- مردم‌سالاری دینی یک مقوله کاملاً مستقیم و عملی صحیح و به هیچ وجه در درونش تناقضی وجود ندارد.
- ۴- مردم‌سالاری دینی یک امر بسیط است نه مرکب. در واقع مردم‌سالاری و دین دو امر جدا از هم نیست که با سنجاق به یکدیگر وصل شده باشد بلکه یک حقیقت است.
- ۵- مردم‌سالاری دینی دو وجه مهم دارد؛ یک طرفش این است که مردم در انتخاب مسئولان کشور نقش داشته باشند و طرف دیگر این است که مسئولان به کارهای مردم رسیدگی کنند. این چیزی است که در دنیا بسیار کم است و دنیایی که مدعی دموکراسی است، بسیار کمتر است.
- ۶- مردم‌سالاری دینی در چهارچوب قوانین الهی است و خواست مردم نیز در سایه هدایت الهی محسوب می‌شود.
- ۷- اسلام‌گرایی از مردم‌گرایی جدا نیست و مردم‌سالاری با دین‌سالاری به طور کامل سازگار است.

۸- در نظام مردم‌سالاری تکیه بر آگاهی و بینش مردم به یک امر؛ قطعی و لازم است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۸).

مفهوم مردم‌سالاری دینی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

مقام معظم رهبری به عنوان رهبری الهی که هدایت و راهبری نظام اسلامی را برعهده دارند نسبت به نقش مردم در سرنوشت خود و اداره حکومت توسط مردم بیاناتی فرموده‌اند. این بیانات که با استفاده از شناخت منابع دست اول دینی، مفاهیم سیاسی، تجربه فعالیت‌های سیاسی و انجام امور حکومتی ایراد شده است می‌تواند به عنوان راهبردهای یک اندیشه سیاسی در میدان عمل فعالان و نخبگان سیاسی باشد. نگاه مقام معظم رهبری به مقوله مردم‌سالاری دینی برآمده از افکار بلند امام (ره) می‌باشد. پیوستگی دو مقوله حکومت دینی و مدل مردم‌سالاری دینی نوع ممتاز و درخشانی از ایده تشکیل حکومت به وجود آورده که در جمهوری اسلامی تبلور پیدا نموده است. امید آن می‌رود جمهوری اسلامی ادامه راه نورانی باشد که در مدل آرمانی امام عصر (عج) و تحقق حکومت جهانی آن امام دادگستر به سر منزل مقصود برسد و تحقق آرمان‌های مستضعفین، محرومین و مغضوبین زر و زور و تزویر باشد (نشریه جوان، مورخ ۸۷/۰۹/۲۶). در ذیل به برخی از مفاهیم مردم‌سالاری در اندیشه مقام معظم رهبری اشاره می‌نماییم.

الف) حاکمیت در مردم‌سالاری دینی: مقام معظم رهبری، مردم‌سالاری دینی را نظام سیاسی می‌دانند که در آن حاکمیت به خداوند تعلق دارد و با عقیده و ایمان و عواطف و آرای مردم پیوند خورده است. حقیقت واحد بودن مردم‌سالاری دینی مؤید این است که این مقوله مفهومی ترکیبی از دو جزء مردم‌سالاری و دینی نمی‌باشد بلکه یک حقیقتی واحد است که مردم‌سالاری دینی هم در مبانی، هم در شکل و هم در روش اداره حکومت تفاوت‌های اساسی با مردم‌سالاری دارد و این تمایز، مردم‌سالاری دینی را ویژه کرده است. مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست؛ بلکه یک

حقیقت واحد و جاری در جوهره نظام اسلام است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود ضمن آن که تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست (مقام معظم رهبری، مورخ ۷۹/۰۹/۲۸).

اندیشه رهبری در چارچوب دیدگاهی تحلیلی می‌شود که حاکمیت را از آن خدا می‌داند و معتقد است که خداوند از جانب رسولان و ائمه هدی و احکام دینی انسان‌ها را هدایت می‌کند و بهترین وضعیت را برای رسیدن به آن اهداف الهی از طریق قوانین فردی و اجتماعی وضع نموده است. در نظام اسلامی، یعنی مردم‌سالاری دینی، مردم انتخاب می‌کنند؛ تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند، اما این خواست و انتخاب و اراده در سایه هدایت الهی هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۸۰/۰۵/۲۳).

ب) عدم الگوگیری از مدل‌های غربی: مردم‌سالاری دینی رویکردی به غرب ندارد چون که دموکراسی و مردم‌سالاری در غرب داشتن علم بدون اخلاق و معنویت است و به جای این که مردم‌سالار باشند سرمایه‌سالار می‌باشد و منافع زورمندان و سرمایه‌داران مدنظر است. از غرب هم نمی‌خواستیم و نمی‌توانستیم الگو بگیریم، چون غرب چیزهایی داشت، اما به قیمت نداشتن چیزهای مهم‌تری در غرب علم بود، اما اخلاق نبود؛ ثروت بود، اما عدالت نبود؛ فناوری پیشرفته بود، اما با تخریب طبیعت و اسارت انسان، اسم دموکراسی و مردم‌سالاری بود، اما در حقیقت سرمایه‌سالاری بود نه مردم‌سالاری (مقام معظم رهبری، مورخ ۷۹/۰۲/۲۳).

ج) هویت مستقل و جدید مردم‌سالاری دینی: در اندیشه سیاسی رهبری مردم‌سالاری دینی هیچ ارتباطی با غرب ندارد و مفهومی مستقل می‌باشد به طوری که ایشان می‌فرمایند: مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق بکنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم، نه خود

این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است. مردم‌سالاری هم دو سر دارد که من در یک جلسه دیگر هم به بعضی از مسئولان این نکته را گفتم. یک سر مردم‌سالاری عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت بگیرد، یعنی مردم نظام را انتخاب می‌کنند، سر دیگر قضیه مردم‌سالاری این است که حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آنها وظایف جدی و حقیقی داریم. (مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۳)

د) ابتکاری بودن: مدل حکومتی مردم‌سالاری دینی، یک مدل بدیع، ابتکاری و نو می‌باشد به طوری که در بین انواع و اقسام مدل‌های حکومتی چنین مدلی وجود نداشته است و این مدل از حکومت به دلیل کارآمدی، ویژگی دینی و مردمی آن و نداشتن موانع و خصلت‌های منفی دموکراسی منحصر به فرد است و در دموکراسی غربی شبهه‌های جدی ایجاد نموده است. مقام معظم رهبری در جدید و منحصر به فرد بودن مردم‌سالاری دینی می‌فرمایند: «امروز مردم‌سالاری دینی که ما در کشور خود مطرح می‌کنیم، یک حرف نو است؛ نه فقط به خاطر این که ما شاخه‌ای از مردم‌سالاری را داریم ارائه می‌دهیم؛ خیر در واقع ما داریم در مردم‌سالاری دنیا شبهه می‌کنیم (مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۸۰/۰۶/۰۵).

نتیجه‌گیری:

مردم‌سالاری دینی، اصطلاح جدید و تازه‌ای در گفتمان سیاسی جهان است که در بستر مبانی سیاسی اسلام و تحت تأثیر آموزه‌های نبوی و علوی، روییده و بر آن است تا ضمن حفظ حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را بنماید و بر این اساس زمینه تفاوت میان نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی فراهم نماید. به بیان دیگر می‌توان گفت که خواسته مردم، ایجاد و شکل‌گیری نظام اسلامی است که در آن، ارزش‌های اسلامی، حاکمیت

دارند و بر اساس همین خواسته است که گستره و حدود مردم‌سالاری مشخص و معین می‌شود.

مؤلفه‌های اصلی نظام مردم‌سالاری دینی مورد پذیرش همه فرق اسلامی بوده و از اصول اولیه‌ای است که همه مسلمین مبتنی بر آموزه‌های قرآنی آن را پذیرفته و مورد تأکید قرار می‌دهند. در واقع می‌توان اذعان داشت که امروز نظریه مردم‌سالار دینی سوغاتی گرانقدر از سوی ملت مسلمان ایران است که می‌تواند کام ملت‌های مسلمان و مظلوم منطقه را بیش از پیش شیرین کند و تحقق عملی آن در قالب نظام مقدس جمهوری اسلامی و مقاومت ۳۳ ساله در برابر استکبار جهانی و رسیدن به مرزهای استقلال و خودکفایی همه جانبه، الگویی عینی است که می‌تواند مسلمانان منطقه را در بازگشت به اسلام و شکل‌گیری حکومت اسلامی مصمم سازد.

بر این اساس، مردم‌سالاری دینی تنها در چارچوب اصول و ارزش‌های اسلامی، معنا و مفهوم پیدا می‌نماید. در خصوص دموکراسی نیز این مطلب صادق است و مشاهده می‌شود که ارزش‌های حاکم در گفتمان سیاسی غرب، تماماً در الگوی غربی از دموکراسی، تجلی دارند. لذا چنانچه گفتمان سیاسی، تغییر کند معنای مردم‌سالاری نیز تحول می‌یابد ولی در هر حال، معنا مبتنی و ملتزم به متن و گفتمانی است که واژه از آنجا روییده است. با عنایت به همین مطلب فلسفی است که مقام معظم رهبری گفتمان اصلی جامعه را گفتمان اسلامی ارزیابی می‌کنند. دقت و تأمل در نظرات سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در باب مردم‌سالاری دینی این حقیقت را آشکار می‌کند که ایشان تعبیر و بیان بدیعی از مردم‌سالاری دینی دارند و حقیقت مردم‌سالاری دینی را متمایز از دموکراسی‌های غربی می‌دانند. تعریف آیت‌الله خامنه‌ای از مردم‌سالاری دینی برآمده از افکار امام(ره) می‌باشد زیرا امام(ره) مردم‌سالاری دینی را کامل‌ترین نوع دموکراسی می‌دانند و می‌توان چنین بیان نمود که در اندیشه مقام معظم رهبری نمی‌توان مردم‌سالاری دینی را ترکیبی از دین و مردم‌سالاری دانست زیرا چنانچه نظامی بخواهد

براساس آموزه‌های دینی عمل کند، بدون مردم امکان آن برایش وجود نخواهد داشت. بدین ترتیب «مردم‌سالاری دینی» به عنوان بدیلی مناسب برای دموکراسی غربی در حکومت اسلامی مطرح است. الگوی رفتاری‌ای که در آن مردم مبنا و محور هستند و حکومت، نخبگان و مسئولان موظف هستند نسبت به ولی نعمت خود، سپاسگزار و خدمتگزار باشند، در عین حال مردم نیز با پای‌بندی به اصول و مبانی ارزشی، سعی در تحقق آرمان‌های اسلامی و حاکمیت اندیشه اسلامی را دارند.

اعمال مردم‌سالاری دینی در اندیشه سیاسی انقلاب مقام معظم رهبری از طریق سطوح مختلف ولایت (ولایت الهی، ولایت ائمه، ولایت فقیه) امکان‌پذیر می‌باشد. در واقع مردم‌سالاری دینی به واسطه اعمال ولایت الهی مصون از خطا و اشتباه است. از این لحاظ در اندیشه سیاسی رهبری عالی‌ترین نوع هدایت و رهبری دیده شده است چون که رهبری با اعمال ولایت خود متصف به صفات الهی است و از مفساد و معایبی که گریبان‌گیر دموکراسی‌های غربی است به دور می‌باشد. مردم‌سالاری دینی به عنوان یک ساختار و نظام منحصر به فرد و نمونه و پدیده‌ای نو ظهور در جهان سیاسی مدرن، نیازمند به شناخت و تفسیر هر چه کامل‌تر می‌باشد. بر همین مبنا است که آشنایی هر چه بیشتر با ارکان آن و آگاهی دادن به شهروندان جامعه اسلامی در این بستر یک امر لازم و ضروری محسوب می‌شود. در اینجا باید بیان نمود که پژوهشگران و متفکران و مردم کشور برای شناخت دقیق مقوله مردم‌سالاری دینی باید به منابع زیر رجوع کنند:

۱- مبنای اصلی و متون اصیل دین اسلام مثل قرآن و سنت ۲- قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران ۳- دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) ۴

پ- دیدگاه‌ها و بیانات مقام معظم رهبری

به عبارت دیگر، در اندیشه سیاسی اسلام، همه - اعم از حاکمان و مردم - موظف هستند تا به ارزش‌ها و احکام الهی گردن نهند و چنان نیست که کسی و یا گروهی بتوانند پای خود را فراتر از حدود الهی گذارند. و در پایان هم همان طور که قبلاً شرح داده شد

می‌توان بیان داشت که اندیشه سیاسی رهبری در خصوص مردم‌سالاری دینی، حاکمیت را از خداوند دانسته و مردم را به عنوان تصمیم‌گیران در سرنوشت اداره کشور به شمار می‌آورد و دخالت مردم در امر حکومت، ناشی از حق الهی آنها می‌باشد.

منابع:

۱. اخوان کاظمی، مسعود، بهار و تابستان ۱۳۸۳، «جایگاه رهبری در مردم‌سالاری دینی؛ بررسی مقایسه‌ای با دموکراسی‌های غربی»، نشریه دانشگاه اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۲۱۲-۱۳۵.
۲. اکبری، کمال، اردیبهشت ۱۳۸۴، «اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی»، نشریه رواق اندیشه، شماره ۴۱، صص ۳۱-۲۵.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم پرشور کرمان، مورخ ۱۳۸۴/۰۲/۱۱، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، مورخ ۱۳۸۴/۰۳/۱۴، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم ورامین، مورخ ۱۳۸۲/۰۳/۲۲، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir.
۶. بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۰۸/۲۸.
۷. بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۷۹/۰۹/۱۵.
۸. بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۸۱/۰۹/۰۱.
۹. بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۱.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۷۸ /۰۳/۱۴، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir.

۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم تفرش، مورخ ۱۳۷۹/۰۸/۲۸، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir.
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، مورخ ۱۳۷۹/۰۲/۲۳، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir.
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، مورخ ۱۳۷۹/۰۲/۲۳، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir.
۱۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهور و اعضای دولت، مورخ ۱۳۸۰/۰۶/۰۵، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، مردم سالاری دینی عامل اصلی عزت نظام است، نشریه کار و کارگر، مورخ ۷۹/۰۵/۲۷.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی، مردم سالاری دینی در ایران حرف نو و جدیدی است، نشریه حیات نو، مورخ ۷۹/۰۸/۲۹.
۱۷. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۹/۰۹/۰۱.
۱۸. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۰.
۱۹. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۰/۰۵/۲۳.
۲۰. روزنامه کیهان، تاریخ ۸۶/۹/۲۵، شماره ۱۸۹۷۵.
۲۱. روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۷۹/۰۸/۲۹.
۲۲. کریمان مجد، سجاد، آذر ۱۳۸۵، «مردم‌سالاری دینی در برابر لیبرال دموکراسی»، فصلنامه فرهنگ پویا، شماره ۲، صص ۶۵-۶۱.
۲۳. مردم‌سالاری دینی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، نشریه جوان، مورخ ۱۳۸۷/۰۹/۲۶.
۲۴. هاشمی، امیرعلی، مردم‌سالاری دینی سرمشق نظام های سیاسی معاصر، روزنامه رسالت، مورخ ۱۳۸۹/۰۹/۲۹، شماره ۷۱۵۸.